

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵
صفحات: ۱۵۰-۱۳۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۴/۷

جرم سیاسی و چالش‌های فرا روی تعریف آن در ایران

دکتر احمد رشیدی* / امین خادمی**

چکیده

به لحاظ تاریخی، نوع برخورد با جرم سیاسی مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است که از سخت‌گیری تا آسان‌گیری و تبرئه را در بر می‌گیرد. برخورد سخت‌گیرانه مخصوص رژیم‌های توتالیتر و برخورد آسان‌گیرانه و تبرئه مخصوص رژیم‌های دموکراتیک بوده است. در بسیاری از کشورها، هنوز بسیاری از افراد به جرم انتقاد و تلاش برای اصلاحات سیاسی به حبس‌های طویل‌المدت محکوم می‌شوند. در ایران در ماده ۱۶۸ قانون اساسی با هدف کمک به متهمان سیاسی صراحتاً بر لزوم تفکیک جرایم سیاسی و ضرورت علنی بودن رسیدگی به آن‌ها با حضور هیأت منصفه تأکید شده است. با بیش از سه دهه کشاکش برای اجرای این اصل، سرانجام قانون جرم سیاسی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ به تصویب رسید. هرچند با اندکی خوش بینی می‌توان این اقدام را گامی در راستای تأمین حقوق متهمان سیاسی قلمداد کرد، اما یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که منطوق و روح این قانون نواقص جدی دارد و با هدف تأمین حقوق متهمان سیاسی فاصله دارد. به علاوه، براساس اصول بنیادین حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی شهروندان و انتقاد آن‌ها از دولتمردان و عملکردهای حکومتی برای اصلاح امور از حقوق بنیادین آن‌ها به شمار می‌آید و لذا نباید جرم تلقی شود.

کلید واژه‌ها

تعریف قانونی، جرم انگاری سیاسی، حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی، مجرمین سیاسی، رژیم ارفاقی.

a.rashidi@umz.ac.ir

*استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
**کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

مقدمه

جرم سیاسی در طول تاریخ، همواره با تعاریف گوناگونی مواجه بوده است که هرگز دوام و پایداری چندانی نداشته است. علت آن بیشتر در تزاخم و تضاد منافع حکومت‌ها و دولتمردان با حقوق مردم و آزادی‌های مدنی و سیاسی آن‌ها بوده است. از مهمترین چالش‌های تعریف جرم سیاسی، موضوع اشتراکات و تضادهای معنایی و مفهومی جرم سیاسی با جرایم امنیتی است که در رابطه مستقیم با تحولات اجتماعی و تاریخی کشورها قرار دارد. در کشور ایران می‌توان گفت که بعد از نهضت مشروطه، جرم سیاسی و تعریف این جرم، از مباحث بسیار مهم و اساسی بین روشنفکران، حقوقدانان، دولتمردان و... بوده است. البته تعاریف زیادی از جرم سیاسی شده است و هر صاحب نظری به اعتبار جایگاه و موقعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود به گونه‌ای از این جرم سخن گفته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم در اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران نیز از محاکمه مجرمین سیاسی در دادگاه‌ها با حضور هیات منصفه سخن به میان آمده است، اما در این اصل و دیگر اصول قانون اساسی تعریفی از جرم سیاسی نمی‌بینیم. قانون اساسی این امر را به تصویب قانون عادی واگذار کرده است. با وجود گذشت نزدیک به یک قرن از تفکیک جرایم سیاسی و جرایم عادی در قوانین ایران، هم در رژیم گذشته و هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مکلف شدن قانونگذاری عادی براساس اصول قانون اساسی به تعریف جرم سیاسی هیچ گاه جرم سیاسی در قوانین ایران تعریف نشده و در نتیجه این تفکیک در عمل توفیری نداشت و از این رو پرداختن به مساله جرم سیاسی برای رسیدن به شناختی درست از آن و تبیین دقیق زوایای آن با توجه به منابع قانونگذاری در ایران ضروری می‌نماید. این پژوهش درصدد آن است که به ماهیت جرم سیاسی از دیدگاه‌های مختلف و نوع واکنش در برابر آن در حقوق موضوعه و قوانین جزایی کشورها و مساعی اندیشمندان و مؤسسه‌های بین‌المللی در این باره بپردازد و در ادامه به این سوال اساسی پاسخ دهد: چالش‌های فراروی تعریف قانونی و تشخیص جرم سیاسی در ایران چیست و وجوه افتراق جرایم سیاسی و عادی کدامند؟

این پژوهش متضمن چهار بخش است: در بخش نخست تاریخچه مختصری از جرم سیاسی و تعریف آن بیان شده است و بخش دوم به چالش‌های قانونی کردن جرم سیاسی در ایران می‌پردازد. بخش سوم هم به نقد و بررسی طرح تعریف جرم سیاسی در مجلس پرداخته است. در

بخش چهارم هم به ارزیابی تفاوت‌های اصولی و بنیادین جرایم سیاسی با جرایم عمومی می‌پردازد.

با توجه به موضوع، روش پژوهش توصیفی و تحلیلی است. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه مبنایی. پژوهش حاضر هر دو بعد را پوشش می‌دهد و در بعد کاربردی از نتایج و یافته‌های آن می‌توان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها استفاده کرد.

۱. بررسی تاریخی و ماهوی جرم سیاسی

۱-۱. تاریخچه تعریف جرم سیاسی و سیر تحول آن در جهان

جرم سیاسی و مرتکبان آن در گستره تاریخ سرگذشت پرمخاطره‌ای داشته‌اند. سیر تاریخی جرم سیاسی در اروپا، به دلیل نقش ویژه اروپا در به رسمیت شناختن شایان توجه است. روند نگرش به جرم و مجرم سیاسی و رویارویی با آن در تاریخ اروپا، روندی نامتعادل است؛ گاه در نهایت تنفر و شدت با مجرمان سیاسی برخورد شده و گاه به اعتدال به آن نگریسته شده است. به‌طور کلی، دوران حیات جرم سیاسی را در تاریخ اروپا می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱-۱-۱. دوره پیش از پیدایش حقوق جزای نوین

این زمان از زمان‌های بسیار دور تا سال‌های آغازین قرن نوزدهم میلادی ادامه دارد. در این دوره، جرمی با نام جرم سیاسی شناخته نشده و جایگاهی در قوانین جزایی برای آن وجود ندارد و جرایم سیاسی در عنوان‌های دیگری قرار دارند. جرایم به دو دسته جرایم خصوصی و جرایم عمومی تقسیم می‌شدند و در برابر ارتکاب جرایم عمومی با شدت هر چه تمام‌تر واکنش نشان داده می‌شد و جرایم سیاسی در زمره جرایم عمومی بود (صانعی، ۱۳۷۷: ۳۰۶).

۱-۱-۲. دوره پیدایش حقوق جزای نوین

دوره دوم که از اوایل قرن نوزدهم میلادی آغاز می‌شود و تا سال‌های پس از جنگ جهانی اول ادامه دارد. در سال‌های آغازین این قرن تفکر لیبرالیستی که مدعی محدود بودن اختیارات حاکمان و منادی آزادی فردی، سیاسی و اجتماعی بود. رشد کرد. برای نخستین بار، قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه، معروف به قانون جزای ناپلئونی جرایم سیاسی و جرایم عادی را تفکیک کرد. ولی نه برای برخورداری مناسب‌تر مجرمان سیاسی، بلکه برای نشان دادن واکنش خشن‌تر در برابر ارتکاب جرایم سیاسی. سرانجام تلاش‌ها برای کاهش مجازات جرم سیاسی

نخستین بار در قانون سال ۱۸۳۰ فرانسه پدیدار شد و قانونگذار فرانسوی با تصویب قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ مجازات جرایم سیاسی در فرانسه نسبت به مجازات جرایم عادی ملایم‌تر شد و سرانجام قانون اساسی ۱۸۴۸ فرانسه مجازات اعدام را در جرایم سیاسی حذف کرد (فراهانی، ۱۳۸۹).

۱-۳. دوره تجدیدنظرطلبی

به تدریج تحولاتی در افکار اروپاییان به وجود آمد. این تحول تحت تاثیر اندیشه‌های «فرانسواگیزو» حاصل شد و با پدیدار شدن مکتب نئوکلاسیک مجرمین سیاسی از وضعیت و امتیازات ویژه و خاص برخوردار شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محاکمه آن‌ها در محاکم عمومی با حضور هیات منصفه، معافیت از کار، عدم استفاده از لباس متحدالشکل زندانیان، اعمال تعلیق تعقیب یا مجازات، معافیت از استرداد مجرمین بین کشورها، استفاده از حق پناهندگی. به هر حال، در این چارچوب رویکرد محوری نسبت به مجرمین سیاسی ارفاق و امتیاز است. در قوانین جاری کشورهای غربی به خصوص دول اروپایی سعی شده است مجازات‌های قانونی علیه مجرمین سیاسی هر چه بیشتر کاهش پیدا کرده و روند قانونگذاری به شکلی باشد که گستره جرایم سیاسی را تنگ ننماید و بطور کلی در جهت اعتلای ارزش مجرم سیاسی گام برداشته شود (علی‌آبادی، ۱۳۷۷: ۷۱).

۱-۲. تاریخچه تعریف جرم سیاسی و سیر تحول آن در ایران

از زمانی که رژیم مشروطه سلطنتی در ایران پذیرفته شد و متمم قانون اساسی به تصویب رسید جرم سیاسی در ادبیات حقوق سیاسی کشور ظهور پیدا کرد. نخستین قانون اساسی ایران در سال ۱۲۵۸ و متمم آن در سال ۱۲۸۶ تصویب شد و در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی آمده بود در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیات منصفین در محاکم حاضر خواهند بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ قوانین قبلی به کلی نسخ شد و با تصویب قانون اساسی و تفکیک جرایم سیاسی از جرایم عمومی باز هم جرم سیاسی تعریف نشد و همچنین حدود و ثغور و شرایط آن مشخص نگردید و مبهم‌تر باقی ماند. در نهایت می‌توان گفت جرم سیاسی در همه ادوار تاریخی چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب با چالش تعریف حقوقی مواجه بوده که می‌تواند محصول وضعیت‌های مختلف سیاسی باشد.

۳-۱. تعریف جرم سیاسی

۱-۳-۱. مفهوم جرم سیاسی در نزد علمای حقوق و اندیشمندان

در کتب حقوق ایران، تعاریف جرم سیاسی برگرفته از کتاب‌های حقوقدانان غربی است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی و اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور باشد (صانعی، ۱۳۷۷: ج ۱: ۳۸۹)

۲- جرم سیاسی جرمی است که به تشکیلات اجتماعی زیان وارد کند (مدنی، ۱۳۷۳: ج ۶، ۳۳۲).

۳- جرم ناشی از فکر سیاسی و یا از یک مؤسسه و دستگاه سیاسی را جرم سیاسی گویند. (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۹۲).

۴- جرم سیاسی جرمی است که موضوع منحصر و واحد آن تخریب یا تغییر یا تزلزل یک یا چند عنصر از عناصر نظام سیاسی باشد. (مدنی، ۱۳۷۳: به نقل از گارو، ۳۳۲).

۲-۳-۱. تعریف جرم سیاسی از دیدگاه مجامع بین‌المللی

در سال ۱۹۳۵ کنفرانسی در کپنهاگ در خصوص جرایم سیاسی تشکیل شد و بزه‌های سیاسی را به شرح زیر تعریف نمود:

۱- بزه‌هایی که بر ضد تشکیلات سیاسی کشور یا بر ضد عوامل آن یا بر ضد حقوقی که بر حسب آن تشکیلات برای افراد برقرار شده ارتکاب می‌یابند.

۲- بزه‌های عمومی که عملیات اجرایی بزه‌های مذکور در بند ۱ شمرده شود.

۳- اعمالی که برای تسهیل بزه سیاسی یا برای مصون ماندن مرتکبین آنان از مجازات قانونی ارتکاب شده باشد.

با وجود اینکه تعریف مذکور حدود جرم سیاسی را مشخص نموده، اما به مفاهیمی از جرم سیاسی برمی‌خوریم که در دامنه وسیع‌تری قرار دارند. از جمله در تعاریفی که سازمان عفو بین‌الملل و کمیته حقوق بشر سازمان ملل ارائه می‌کنند می‌توان این مفاهیم را ملاحظه نمود، عفو بین‌الملل از واژه زندانی سیاسی در یک مفهوم وسیع استفاده می‌کند، آنچنان که تمام مواردی را که یک عنصر سیاسی مشخص در آن وجود دارد در بر می‌گیرد. این عنصر سیاسی می‌تواند شامل اظهار هر گونه عقیده و یا ویژگی‌های نژادی، فرهنگی، مذهبی یا وابستگی‌های سیاسی باشد. در برخی مواد اتهامات کیفری کاذب ممکن است در مقابل فعالیت‌های سیاسی اقامه شود. این اتهامات ممکن است برای مثال جرایم عمومی باشد، در حالی که دلیل اصلی

مجازات آن‌ها به خاطر فعالیت سیاسی‌شان یا به جهت بازداشتن دیگران از مخالفت با دولت باشد. در تمامی موارد مذکور یک عنصر سیاسی وجود دارد. به هر حال عفو بین‌الملل این مفهوم وسیع را در تعیین محاکمات سیاسی و زندانیان سیاسی اعمال می‌کند (زراعت، ۱۳۷۳: ۴۵).

۱-۳-۳. تعریف جرم سیاسی در اسلام

بی‌گمان نباید انتظار داشت در فقه جزایی اسلام که خاستگاه و ریشه‌های تاریخی آن به حدود یک هزار و چهارصد سال پیش باز می‌گردد، صراحتاً نامی از جرم سیاسی یا چیزی شبیه آن برده شده باشد. برخی از حقوقدانان اسلامی جرم سیاسی را با بغی معادل دانسته و در تعریف جرم سیاسی از مفهوم بغی استفاده کرده‌اند، بغی در لغت به معنای ظلم و تجاوز و نافرمانی آمده است و در اصطلاح فقه سیاسی باغی به مسلمانی گفته می‌شود که با دولت اسلامی مخالفت می‌کند و دست به نافرمانی می‌زند. بغات در اصطلاح شرع و متشرعه، کسانی هستند که بر دولت اسلامی که به صورت صحیح به وجود آمده است قیام کند و فرقی نمی‌کند که رهبر دولت پیامبر یا امام یا نایب خاص یا نایب عام آن‌ها یعنی فقیه جامع‌الشرایط باشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳۰۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بغی و جرم سیاسی دارای تفاوت‌های بسیاری هستند، بغی نه تنها جرم سیاسی محسوب نمی‌شود، بلکه یک عمل ممنوع سیاسی است که عذاب اخروی شدیدی را دامن‌گیر مرتکبان آن می‌کند به همین دلیل نوعاً بغی در مباحث مربوط به جهاد در فقه آورده می‌شود و واضح است که بحث جهاد ربطی به جرم و مجازات و مقررات کیفری ندارد (زراعت، ۱۳۷۷: ۱۶۹).

۲. ضوابط تشخیص جرم سیاسی

علمای حقوق سه ضابطه برای تشخیص جرم سیاسی از جرم عمومی ارائه داده‌اند:

۲-۱. ضابطه عینی

مطابق ضابطه عینی هر رفتاری که مستقیماً بر منافع یا امتیازاتی که ماهیتاً سیاسی یا به موجودیت یا تشکیلات سیاسی کشور لطمه وارد سازد جرم سیاسی است؛ مثل جرایم علیه امنیت داخلی کشور (همچون قیام مسلحانه علیه کشور) یا جرایم انتخاباتی که موجب محروم کردن نمایندگان واقعی مردم از انتخاب شدن می‌گردد (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۱۷۸).

۲-۲. ضابطه ذهنی

مطابق ضابطه ذهنی جرم سیاسی عبارت است از ارتکاب آن دسته از اعمال مجرمانه‌ای که به انگیزه ضدیت با تشکیلات سیاسی و لطمه زدن به استقلال و تمامیت کشور صورت می‌گیرد، هرچند موضوع آن غیر سیاسی باشد. پس مطابق این نظریه، همه کسانی که با اغراض سیاسی بدون آنکه انگیزه تامین نفع شخصی منظور آنان باشد مرتکب جرم شده‌اند بزهکار سیاسی قلمداد می‌گردند، حتی اگر این جرم از جرایم عمومی باشد. ضابطه ذهنی دامنه جرایم سیاسی را گسترش می‌دهد و جرایم مرکب و مرتبط با جرم سیاسی را نیز سیاسی می‌کند (صانعی، ۱۳۷۶: ۴۰۰).

۲-۳. ضابطه تلفیقی

امروزه نظر دانش‌پژوهان بر آن است که نمی‌توان بین عمل و عامل تفکیک قائل گردید. یکی از عوامل تعیین کننده شخصیت کیفری، همان هدف و انگیزه است. بنابراین با توجه به مراتب فوق در تشخیص جرم سیاسی و تعریف آن باید حتماً به هدف و انگیزه توجه نمود. اما از سوی دیگر بایستی نقش عمل ارتكابی و طبع خاص حقوق مورد تعرض هم مورد توجه قرار گیرد و هر عمل ضد اجتماعی را نمی‌توان جرم سیاسی دانست. بنابراین با تلفیق هر دو ضابطه عینی و ذهنی نظریه جدیدی بوجود می‌آید که جرم سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: جرم سیاسی عمل مستحق کیفری است که با انگیزه و هدف سیاسی مستقیماً تشکیلات سیاسی مملکت و اساس حکومت و حقوق سیاسی افراد را مورد حمله و تعرض قرار می‌دهد. مزیت این تعریف آن است که محتوای جرم سیاسی را به‌طور صریح روشن می‌کند و موجب می‌شود که از گسترش بی‌رویه مفهوم جرم سیاسی جلوگیری شود (محسنی، ۱۳۷۵: ۹۸).

۳. بررسی تطبیقی جرایم سیاسی و عمومی

۳-۱. وجوه تفاوت جرایم سیاسی از جرایم عمومی

یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم در حقوق کیفری تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی است. مسأله‌ای که قانون اساسی نیز بدان اقدام کرده است. جرایم سیاسی و جرایم عمومی دست کم از دو وجه با هم متفاوتند:

۳-۱-۱. تفاوت انگیزه‌ها

یکی از اصول حاکم بر حقوق جزا، این است که انگیزه در تحقق جرم نقش ندارد، اما در میزان مجازات موثر است. به همین سبب وجود انگیزه شرافتمندانه یکی از علل تخفیف دهنده مجازات محسوب می‌شود. با همین نگاه مقوله جرم سیاسی تحت تاثیر توجه به انگیزه، تحولات نوینی پیدا کرده است و در نظام‌های حقوقی با مجرمان سیاسی برخوردی ارفاق آمیز دارند. می‌توان گفت که چالش اساسی قانونی کردن جرم سیاسی وجود تفاوت‌های فلسفی در انگیزه مرتکبین و همچنین تفاوت بنیادین اینگونه جرایم با جرایم عادی است. ممکن است این سوال پیش آید که چه ضرورتی نظام‌های حقوقی را بر آن داشته است که مقدمات و شرایط متفاوتی را برای مجازات مجرمین سیاسی تدارک ببینند؟

پاسخ این است که هر چند ممکن است شکل عمل قانون شکنانه این مجرمین با کسانی که برای نفع پرستی، قدرت دوستی، زراندوزی و یا مطامعی که از نظر اخلاقی ارزشی ندارد و مبادرت به اعمال مجرمانه کرده‌اند فرقی نداشته باشد، اما در انگیزه باهم متفاوتند. مجرم سیاسی در جهت دست یافتن به اهداف انسانی، اخلاقی، مشروع و به‌منظور اصلاح امور جامعه، دست به عمل مجرمانه می‌زند. لذا قدرت حاکمه و مجموعه دستگاه حکومتی باید نسبت به وی دیدگاهی خاضعانه، ملایم و انسانی داشته باشد. به عبارت دیگر انگیزه دستیابی به اهداف شخصی و انتفاعی در تفکر مجرم سیاسی وجود ندارد و جرم سیاسی با کمترین میزان خشونت احتمالی همراه است و مجرمان سیاسی همواره از دست زدن به اعمال جنایتکارانه مانند قتل، بمب گذاری، جاسوسی، خیانت، سرقت و... به دلیل آن که ماهیت انگیزه خیرخواهانه و اصلاح طلبانه آنان را منتفی می‌سازد، دوری می‌گزینند. البته در زمینه کشف عنصر معنوی و انگیزه درونی مجرم سیاسی، باید به نقش سازنده و رفیع هیات منصفه اشاره نمود (گارو، ۱۳۶۴).

۳-۱-۲. تفاوت ضرر و صدمه ناشی از ارتکاب جرم سیاسی با جرایم عمومی

در جرایم عمومی و عادی ضرر و صدمه متوجه تعداد محدود و مشخصی از افراد جامعه است. ولی جرایم سیاسی نظام سیاسی و اجتماعی مورد هدف قرار می‌گیرد. برای تشخیص جرم سیاسی باید از روی آثار ملموس و محسوس و ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم، هدف مرتکب جرم، مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین معنی هر گاه در رسیدگی قضائی معلوم شود که هدف مرتکب جرم، صدمه زدن به حیات و تشکیلات و فعالیت‌های حکومت است، جرم او سیاسی تلقی می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹).

۲-۳. آثار شناسایی جرم سیاسی از عادی

جرم سیاسی جرمی ویژه و جدا از دیگر جرایم است، رژیم رسیدگی و مجازات ویژه دارد و لذا در رسیدگی و مجازات نسبت به دیگر جرایم به حال مجرم مناسب‌تر است که آن را «رژیم ارفاقی» می‌نامند. این ارفاق‌ها که عمدتاً مبتنی بر موازین حقوق بشر و قواعد بین‌المللی شامل این موارد می‌باشد: از نظر حقوق جزای بین‌الملل مجرمین سیاسی از استرداد معافاند؛ مجازات خفیف تری دارند؛ رسیدگی در دادگستری با حضور هیات منصفه و به صورت علنی است؛ احکام تکرار جرم درباره این مجرمین بار نمی‌شود که موجب تشدید مجازات شود؛ مجرمین سیاسی می‌توانند مشمول عفو عام و خاص شوند؛ محرومیت اجتماعی ندارند؛ از پوشیدن لباس زندان و کار کردن در زندان معافاند؛ دستبند زدن به آنها ممنوع است؛ می‌توانند بدون حضور نگهبان در هفته با خویشان خود ملاقات کنند؛ از مجرمین عادی جدا و سلول انفرادی ندارند (زراعت، ۱۳۷۷).

رسیدگی عادلانه و منصفانه به جرایم سیاسی به دلیل ویژگی خاصی که دارد، نیازمند تدابیر ویژه است و چون مجنی علیه و طرف دعوا در این جرایم هیات حاکمه است، پرهیز از تضییع حقوق متهم و جلوگیری از نفوذ هیات حاکمه در امر رسیدگی در گرو کاربرد شیوه خاصی از دادرسی است که آن را از شیوه رسیدگی به جرایم عادی متمایز می‌سازد. از این رو، رسیدگی به جرایم سیاسی در بسیاری از کشورها دارای ویژگی‌هایی است که امتیازهایی برای مجرمان سیاسی به شمار می‌آید. در اینجا به شرح برخی از این امتیازات می‌پردازیم:

۳-۲-۱. حضور هیات منصفه در دادرسی

حضور هیات منصفه در دادرسی جرایم سیاسی به معنای بهره‌گیری از افکار و وجدان عمومی برای ارزیابی آثار عمل ارتكابی متهم در سطح جامعه است و چون در جرایم سیاسی مجنی علیه مستقیم رژیم سیاسی حاکم است، برای قضاوت بی‌طرفانه و به دور از نفوذ حاکمیت درباره این که عمل ارتكابی متهم در راستای اعمال حقوق اساسی خود یا بر ضد امنیت کشور بوده است، چاره‌ای جز یاری جستن از وجدان عمومی جامعه، یعنی هیات منصفه، نیست و برخی آن را ضامن آزادی سیاسی می‌دانند. بنابراین، یکی از امتیازهای مجرمان سیاسی در طی دادرسی، حضور هیات منصفه در آن و تصمیم‌گیری آن درباره مجرمیت یا برائت متهمان به ارتكاب جرایم سیاسی است. با توجه به این که حضور هیات منصفه در دادرسی به معنای کمک گرفتن از افکار عمومی است، برای به‌دست آوردن افکار عمومی، هیات منصفه باید ترکیبی از

اقشار مختلف جامعه باشد تا نمایانگر و برآیند افکار آنان باشد. ماده ۳۶ قانون اصلاح قانون مطبوعات در این باره مقرر می‌دارد:

هیات مذکور در تهران ۲۱ نفر و در دیگر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از میان گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، استادان دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به‌عنوان اعضای هیات منصفه انتخاب می‌شوند. تعداد اعضای هیات منصفه باید به اندازه‌ای باشد که احتمال تبانی میان آن‌ها و دیگران یا تهدید و تطمیع آنان به کم‌ترین میزان ممکن کاهش یابد. امروزه، این تعداد در کشورهای مختلف و در نوع دعوی متفاوت است (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۹۲). در ایران هیأت منصفه به‌صورت دموکراتیک انتخاب نمی‌شود و در تحلیل نهایی باید گفت از سوی نهادهای اجرایی انتخاب می‌شوند. همین مسأله باعث می‌شود کارویژه‌های مورد انتظار از سوی آنها به درستی اعمال نشود و مورد نفوذ قرار گیرند.

۳-۲-۲. علنی بودن دادرسی

هدف از علنی برگزار شدن دادرسی، به ویژه در جرایم سیاسی، فراهم آوردن امکان حضور آزادانه افراد، به ویژه ارباب جرایم و رسانه‌های خبری در جلسات محاکمه و مشاهده روند دادرسی، رعایت مقررات و قوانین و بی‌طرفی قضات و اطمینان به اجرای عدالت است. نفس علنی بودن دادرسی می‌تواند سبب شود تا قضات بر دقت کار خود بیفزایند و در کمال بی‌طرفی محاکمه را برگزار کنند (زراعت، ۱۳۷۷: ۳۸؛ طباطبایی، ۱۳۳۲) زیرا می‌دانند قضاوت آنان منتشر می‌شود و افکار عمومی آن را نقد و بررسی خواهند کرد. افکار عمومی از مهم‌ترین اهرم‌های الزام فرد به رعایت دقیق قوانین و مقررات است. از این رو، امروزه به علنی بودن محاکمات در قوانین اساسی بیش‌تر کشورها تصریح شده است. تدوین‌کنندگان قانون اساسی درباره دادرسی جرایم سیاسی به هیچ رو اجازه نداده‌اند که در هیچ موردی و بنابر هیچ مصلحتی، این دادرسی‌ها غیر علنی برگزار شود و این یکی از وجوه امتیاز قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت به قانون اساسی مشروطه است؛ زیرا برابر قانون اساسی مشروطه امکان برگزاری غیر علنی دادرسی‌های سیاسی در برخی موارد و بنا به مصالحی وجود داشت، ولی قانون‌گذار جدید برای بستن راه هرگونه سوءاستفاده در این قبیل دادرسی‌ها در اصل یک‌صد و شصت و هشتم مقرر کرده است. «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است...».

۳-۲-۳. عدم استرداد مجرمان سیاسی

مبانی نظری عدم استرداد مجرمان سیاسی بر پایه‌هایی استوار است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) وجود مقاصد عالی و انسان دوستانه در مجرمان سیاسی: مجرمان سیاسی بر خلاف مرتکبان جرایم عادی، دارای انگیزه‌های انسانی، پاک و غیر شخصی هستند و دست کم به گمان خود، برای سعادت و آینده بهتر جامعه و افراد آن به پیشواز خطر می‌روند. به این دلیل شایسته است که تمامی هواداران حقوق بشر از دولت‌ها و ملت‌ها، دست کم آنان را تحسین کنند، نه این که آنان را به کشور متبوع‌شان تسلیم کنند تا محاکمه و مجازات شوند. ب) عدم تهدید نظم و امنیت دیگر کشورها و جامعه بین‌المللی در جرایم سیاسی: مجرمان سیاسی تنها برای نظام سیاسی حاکم بر کشور خود ایجاد خطر می‌کنند و برخلاف جرایم فراملی، تهدیدی برای نظم و امنیت بین‌المللی و کشوری که به آن پناهنده می‌شوند، به شمار نمی‌آیند. (زراعت، ۱۳۷۷: ۴۲؛ لواسور، ۱۳۶۹).

۳-۲-۴. پناهندگی مجرمان سیاسی

در ادامه بحث عدم استرداد مجرمان سیاسی، به طبع باید پناهندگی این‌گونه مجرمان مطرح شود، زیرا مجرمانی که نمی‌توانند دست کم تا زمان حاکمیت رژیم مورد مخالفت به وطن خود بازگردند، باید در کشور دیگری زندگی کنند. از این‌رو، بحث پناهندگی این‌گونه مجرمان پیش می‌آید و اعطای پناهندگی به مجرمان سیاسی، یکی دیگر از امتیازهای در نظر گرفته شده برای آنان است. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۴۰۴).

۳-۲-۵. معافیت از مقررات جرایم مشهود

از دیگر امتیازهای جرم سیاسی، استثنای آن از مقررات «جرایم مشهود» است. ضابطین دادگستری در جرایم مشهود، اختیارات ویژه‌ای دارند و می‌توانند بدون آگاه کردن مقام صالح قضایی، خود اقدام کنند. ضابطین دادگستری در خصوص جرایم مشهود، تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم، جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند. ولی برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق متهمان سیاسی در اثر سرعت عمل ضابطین دادگستری، مقررات جرایم مشهود درباره جرایم سیاسی اجرا نمی‌شود. از این‌رو، تعقیب و کشف جرایم سیاسی باید به دستور مقام صالح قضایی باشد و هیچ استثنایی ندارد (زراعت، ۱۳۷۷: ۴۴).

۴. چالش‌های فراروی تعریف جرم سیاسی در حقوق ایران

یکی از نکات مبهم نظام تقنینی و مدیریتی ایران چالش‌های مربوط به فقدان تعریف حقوقی از جرم سیاسی است. حتی در قانون جدید مجلس نیز به تعیین مصادیق جرم سیاسی بسنده شده و تعریف روشنی ارائه نگردیده است. بنابراین، در ایران با وجود اینکه در قانون اساسی به آزادی توجه ویژه‌ای شده و باید در مسیر حمایت از آزادی و حقوق افراد ضوابطی پیش‌بینی و عملی می‌شد تا به امروز تصویر روشنی از جرم سیاسی وجود ندارد. گرچه در تعریف جرم سیاسی اختلاف دیدگاه وجود دارد، اما از مهمترین چالش‌ها و موانع تعریف جرم سیاسی می‌توان به سه مورد زیر اشاره کرد:

۴-۱. مترادف شدن جرم سیاسی با جرایم امنیتی

از مهمترین چالش‌های تعریف جرم سیاسی، موضوع اشتراکات و تضادهای معنایی و مفهومی جرم سیاسی با جرایم امنیتی است که در رابطه مستقیم با تحولات اجتماعی و تاریخی کشور قرار دارد. جرم سیاسی همواره با جرم امنیتی مترادف پنداشته شده است. مجرم سیاسی داعیه‌دار اندیشه یا تفکری است که به نفع همگان است. انگیزه او، شخصی نیست، بلکه منفعت عمومی است و همین انگیزه است که وجه ممیزه جرایم سیاسی و جرایم عمومی است. اما این وجه ممیز به سختی جرم سیاسی را از جرم امنیتی تفکیک می‌کند و لذا تعیین حدود و ثغور اعمالی که قرار است جرم سیاسی شناخته شود را با چالش مواجه می‌کند.

۴-۲. حاکمیت

از آنجا که مخاطب اصلی مجرم سیاسی، نظام سیاسی و حاکمیت کشور است، حاکمیت تمایلی به تعیین چارچوبی برای تعریف آن ندارد و نمی‌خواهد دست خود را ببندد. زیرا اگر این تعریف وجود داشته باشد در قالب آن می‌توان حاکمیت را ملزم به رعایت تشریفات دادرسی ویژه در رسیدگی به جرایم سیاسی، از جمله دادرسی علنی و با حضور هیات منصفه برگزیده جامعه و مردم، کرد (پیوندی، ۱۳۸۸: ۹۸).

۴-۳. قوانین عادی

یک سری از موانع دیگری که در سر راه تعریف جرم سیاسی قرار دارد، معطوف به قوانین عادی است. حقوقدانان اسلامی در کشور ما نظرشان بر این بوده که جرم سیاسی همان بغی است و انتقاد از حکومت است و باید در آن قالب با آن‌ها برخورد شود و فقط وقتی که دست به

اسلحه ببرند محاربه و جرم امنیتی محسوب می‌شود و در قانون مجازات اسلامی جدید (که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲ تصویب شد) نیز بطور ناسنجیده «بغی» را در ردیف جرایم امنیتی قرار داده است. از طرف دیگر از ماده ۴۹۸ تا ماده ۵۰۱ قانون تعزیرات اعمالی را جرم امنیتی تلقی کرده است که قابل همپوشانی با جرم سیاسی هستند. به‌عنوان مثال در ماه ۵۰۰ همراه با این گزاره که «هر گونه فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی جرم است» گفته نشده «هر گونه فعالیت تبلیغی» به چه معناست. برخی از پیشنهادات و انتقادات با حسن نیت و در قالب امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد، ولی چون مورد سوءاستفاده تبلیغی رسانه‌های بیگانه قرار می‌گیرد حکومت آن را تبلیغ علیه نظام محسوب می‌کند و گوینده را متهم به ارتکاب این بزه محکوم می‌کند. مشکل اینجاست که فقهای ما در طول سال‌های گذشته با توجه به منابع فقهی، حد و مرز بغی، محاربه، افساد فی‌الارض، امر به معروف و نهی از منکر و جرم سیاسی را مشخص نکرده‌اند و در هر دوره برداشت‌های مختلفی از این مفاهیم مستفاد شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت از نظر حقوقدانان اسلامی در اسلام مفهومی به نام جرم سیاسی وجود ندارد.

۵. بررسی تفصیلی فرایند تصویب قانون جرم سیاسی

مجلس در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای قانونی کردن و تعریف جرم سیاسی انجام داده است. از جمله در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۸ طرحی را در خصوص جرم سیاسی به تصویب رساند که با ۱۸ ایراد شورای نگهبان مواجه گردید و با اصرار مجلس بر مصوبه مذکور جهت تایید به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد و با وجود همه تلاش‌ها برای اجرایی کردن این اصل از قانون اساسی به‌طور عملی مصوبه مذکور راه به جایی نبرد و در مجمع تشخیص مصلحت مسکوت ماند. پس از فراز و نشیب‌های طولانی، وقایع و حوادثی که در سال ۸۸ بعد از انتخابات ریاست جمهوری رخ داد قوه قضاییه را با چالش جدی برای محاکمه معترضان مواجه ساخت. ایرادات زیادی از جانب حقوقدانان به محاکمه بسیاری از این فعالان سیاسی وارد شد. فعالینی که جرایم آن‌ها می‌توانست در زمره جرم سیاسی قرار گیرد و از رژیم ارفاقات مجرم سیاسی استفاده کنند، ولی بسیاری از آن‌ها به مانند مجرم عادی محاکمه و مجازات شدند. با گذشت چند سال از این وقایع و رخدادها و نبود تعریفی برای جرم سیاسی گروهی از نمایندگان مجلس نهم در سال ۱۳۹۲ طرحی برای احیای اصل ۱۶۸ قانون اساسی برای تعریف جرم سیاسی آماده کردند، این طرح با امضای ۱۹ نماینده در شهریورماه سال ۱۳۹۲ تقدیم هیات رییسه مجلس

شد (تسنیم، ۹۳/۲/۳). اما جزییات این طرح در ۶ ماده در جلسه علنی سه شنبه (۲۹ دی ماه) ۱۳۹۴، با ۱۲۰ رای موافق به تصویب رسید و شورای نگهبان این مصوبه را در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ تأیید کرد (تسنیم، ۹۵/۲/۲۹). این مصوبه، در ماده یک مقرر می‌دارد: هر یک از جرائم مصرح در ماده دو این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود. براساس ماده دو این مصوبه، جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده یک این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شود:

۱. توهین یا افترا به روسای سه قوه، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رییس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضا شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان و توهین به رییس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو ایران وارده شده است با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات. ۲. جرائم مندرج در بندهای «د» و «ه» ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی.

۳. جرائم مقرر در قوانین انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.

۴. نشر اکاذیب

بر اساس ماده سه این مصوبه مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرایم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

- جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات
- سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی
- آدم ربایی، گروگان‌گیری و سلب غیرقانونی آزادی افراد
- بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی
- سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی
- حمل و نقل غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان
- رشا و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور
- جاسوسی و افشای اسرار

- تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری
- اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی
- کلیه جرایم علیه عفت و اخلاقی عمومی اعم از جرایم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن.
- ماده چهار این مصوبه مقرر می‌دارد که: نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقررات مربوط به هیات منصفه مطابق آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است.
- براساس ماده پنج تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است و متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند و مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر می‌کند و شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است.
- ماده ۶ امتیازاتی که مجرمان سیاسی می‌توانند از آن بهره مند شوند را مشخص کرده است که شامل موارد زیر است:
- الف) مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی؛
- ب) ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس؛
- پ) ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم؛
- ت) غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی؛
- ث) ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد؛
- ج) حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس؛
- چ) حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس (تسنیم، ۱۳۹۵/۳/۱۶).

۶. نقد و بررسی قانون جرم سیاسی

در ارتباط با تعریفی که در این مصوبه در مورد جرم سیاسی شده ایراداتی وجود دارد. این ایرادات را می‌توان در چند جنبه خاص بررسی کرد. در این مصوبه تعریف دقیقی از جرم سیاسی ارائه نشده و هدفی که قانون اساسی دنبال آن بوده است با این طرح برآورده نمی‌شود. در این مصوبه گفته شده: «جرمی که با انگیزه سیاسی انجام می‌شود» و به دنبال آن آورده شده «انگیزه سیاسی یعنی انگیزه‌ای که هدفش اصلاح امور کشور است». با این عبارت این سوال پیش می‌آید که آیا اصل بحث اصلاح امور کشور جرم تلقی می‌شود. این با تعریفی که از جرم سیاسی می‌شود سازگاری ندارد. در ماده ۲ این طرح نیز آورده شده جرایمی مانند توهین، ایراد، افتراء و نشر اکاذیب که با انگیزه سیاسی انجام شود جرم سیاسی است. بحث اینجاست که توهین، ایراد، افتراء و نشر اکاذیب خودش با انگیزه اصلاح امور که در تعریف جرم سیاسی آمده است سازگاری ندارد. اگر بحث اصلاح امور باشد اصلاح امور کشور با توهین و ایراد، افتراء و نشر اکاذیب صورت نمی‌گیرد و این خودش یک بحث تخریبی است. بحث تخریبی نمی‌تواند انگیزه‌اش اصلاح امور کشور باشد.

تعریفی که از جرم سیاسی در این مصوبه ارائه شده تعریف جامع و مانعی نیست. در این طرح جرم سیاسی این گونه تعریف شده که: «هر گاه رفتاری با انگیزه نقد عملکرد حاکمیت یا کسب، یا حفظ قدرت واقع شود بدون آن که مرتکب قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب‌های بنیادین نظام سیاسی را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود» معنا ندارد رفتاری را که با انگیزه نقد عملکرد حاکمیت باشد، جرم سیاسی بدانیم. این تعریف، تعریف نادرستی است. اینکه هر رفتاری را که نقد باشد جرم در نظر بگیریم درست نیست. به بیانی صریح‌تر در این مصوبه تمام تلاش قانون‌گذار این است تا امنیت دولتمردان و مسؤولان را در برابر منتقدان تامین کند و اجازه ندهد آنان در معرض انتقاد قرار گیرند. بدین صورت حقوق منتقدان نادیده گرفته شده و بخش عمده‌ای از انتقادات و فعالیت‌های سیاسی به سادگی جرم تلقی شده‌اند. اساساً به همین خاطر است که در دنیای امروز جرم سیاسی تعریف نمی‌شود؛ چون هر جا که این اتفاق رخ داد و جرم سیاسی تعریف شد، دولت‌های غیر پاسخ‌گو از آن به نفع خود بهره‌برداری کردند. در کشورهایی که دارای سطح قابل توجهی از توسعه سیاسی و دموکراسی پایدار برخوردارند جرمی به عنوان جرم سیاسی وجود ندارد. اشکال دیگر وارده به این طرح نبود معیاری مشخص در آن برای تشخیص سیاسی بودن اتهام توسط قاضی رسیدگی کننده است. اینکه صرف اقرار متهم

باعث تشخیص انگیزه سیاسی می‌شود یا قاضی پرونده باید از گفتار و رفتار متهم انگیزه خوانی کند. این در حالی است که به جز داشتن انگیزه سیاسی، مرز مشخص دیگری بین جرایم عادی و جرایم سیاسی تعیین نشده است. اگر شخصی با انگیزه سیاسی به عنوان مثال اقدام به توهین به یکی از رؤسای قوا کند، براساس این مصوبه همانند فردی مجازات خواهد شد که این جرم را به صورت عادی مرتکب شده است. با این تفاوت که با تشخیص داشتن انگیزه سیاسی می‌تواند از تسهیلات ذکر شده در این مصوبه همچون نپوشیدن لباس زندان در طول حبس و... بهره برد و این با عدالت سازگار نیست. ضمن اینکه با وجود همه این تسهیلات پیش‌بینی شده، مفاد ماده پنج مبنی بر این که متهم در هر مرحله می‌تواند نسبت به سیاسی بودن جرم خود ایراد کند نشان می‌دهد که از نظر قانونگذار سیاسی تلقی شدن جرم، نه یک امتیاز، که یک محدودیت و فشار تلقی می‌شود. این در حالی است که سیاسی تلقی شدن جرم امتیازی است که متهمان بر اساس آن می‌توانند از محاکمه علنی و با حضور هیأت منصفه برخوردار شوند؛ چیزی که در روح و منطوق قانون مورد غفلت واقع شده است (پایگاه خبری شفقنا، ۹۵/۳/۲۳).

یکی دیگر از ایرادهای وارده مشخص نشدن اعضای هیأت منصفه و ارجاع آن به قانون آیین دادرسی کیفری است. چراکه با توجه به مفهوم و پیام اصل ۱۶۸ قانون اساسی که همان حمایت و توجه بیشتر بر مجرمین سیاسی در مقابل حاکمیت است و با نظر به قاضی محور بودن دادگاه‌های کشور، حضور هیاتی که بیشتر جنبه شکلی دارد نه محتوایی و اعضای آن عناصر دولتی هستند به نظر نمی‌رسد در عمل برای مجرمین سیاسی فایده چندانی داشته باشد. لذا می‌توان این گونه نتیجه گرفت که صرف نظر از ضرورت یا ضرورت نداشتن تصویب این قانون و با وجود نکات مثبت آن، با بررسی و دقت در مفاد آن قانون در می‌یابیم که از تامین حقوق متهمان جرایم سیاسی بسیار فاصله دارد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر جرایم سیاسی از ابعاد گوناگون آن مورد بررسی قرار گرفت. مجموعه بررسی‌ها و یافته‌های پژوهش حاکی از این است که تعریف قانونی جرم سیاسی، مطلوب و مستحسن و معمول نیست و نمی‌تواند مفید واقع شود. تلاش برای تعریف قانونی جرم سیاسی در ایران سابقه ای نزدیک به سه دهه دارد و همین سابقه طولانی از امتناع موضوع حکایت می‌کند. جرم سیاسی باید قلمرو وسیعی داشته باشد و هر تعریفی که از این جرم ارائه کنیم

قلمرو جرم سیاسی را محدود می‌کند. در بسیاری از جوامع دموکراتیک، اساساً برای جرم سیاسی تعریفی جامع و مانع ارایه نمی‌شود؛ زیرا در نظام قضایی آن‌ها آنچه که می‌تواند تعیین کننده باشد تشخیص نوع جرم است نه تعریف آن. همین امر راه را برای انتقاد آزادانه در جامعه از عملکردهای حکومتی هموار می‌کند. بنابراین قاطعانه باید گفت که «جرم سیاسی» اساساً فاقد تعریفی کلاسیک و مدون است و همان‌طور که گفته شد فقط می‌توان مدعی شد که به جای تعریف جرم سیاسی باید قائل به تشخیص جرم سیاسی بود که این نیز خود شرایط، قواعد و ضوابطی دارد که به‌طور خلاصه به آنان اشاره شد. اما به هر تقدیر هرگونه تعریف و تشخیص جرم سیاسی باید در زمینه خاص خود که همانا شرایط و ضوابط نظام حاکم بر جامعه است مورد توجه و بررسی قرار گیرد. بنابراین در کشوری مانند کشور ما که این جرم در نظر گرفته شده است، قانونگذار می‌تواند موارد جرم سیاسی را اعلام و الزامات و بایدها و نبایدهای آن را مشخص کند. زمانی که ضابطه مشخصی وجود ندارد آیین دادرسی ویژه جرم سیاسی نیز نمی‌توان تعیین کرد. خلاصه اینکه، جرم سیاسی را نمی‌توان منطقی‌اً به‌صورت جامع و مانع تعریف کرد؛ زیرا گستره مفهومی این جرم بسیار بالاست. لذا باید نخست حیطة سیاست را روشن و سپس موارد جرائم سیاسی را در آن حوزه مشخص کرد. بنابراین بهتر است به‌صورت مصداقی جرایمی را به عنوان جرم سیاسی مشخص کنیم. در پایان ذکر این نکته ضروری است که نظام حقوق بشر و نظام‌های دموکراتیک به این موضوع نپرداخته‌اند و اساساً مقولاتی چون انتقاد از دولتمردان و عملکردهای حکومتی را جرم تلقی نمی‌کنند. در همین راستا بایستی با فعال کردن ظرفیت‌های فصل سوم قانون اساسی که مربوط به تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان است، به حل معمای جرم سیاسی پرداخت.

فهرست منابع

احمدی، اشرف (۱۳۴۶). **قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران**، تهران: وزارت فرهنگ و هنر. آخوندی، محمود (۱۳۷۴). **آیین دادرسی کیفری**، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴). **حقوق جزای عمومی**، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان. استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷). **آیین دادرسی کیفری**، ترجمه حسن دادبان، جلد ۱، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- آشوری، محمد (۱۳۷۵). **آیین دادرسی کیفری**، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- اصغری، سید محمد (۱۳۸۸). **بررسی تطبیقی جرم سیاسی، قاعده درء و عسر و حرج**، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). **حقوق اساسی**، جلد ۱، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۸). **جرم سیاسی**، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). **ترمینولوژی حقوق**، چاپ پنجم، تهران: گنج دانش.
- خامنه‌ای، مهین دخت (۱۳۴۲). «**هیات‌منصفه در دادگاه‌های کشورهای متحده آمریکایی شمالی**»، **مجله کانون وکلا**، شماره ۸۶.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۶). **حقوق زندانیان و علم زندان‌ها**، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس (۱۳۷۷). **جرم سیاسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- زینلی، محمدرضا (۱۳۷۸). **جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی**، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۵). **تاریخ تحلیلی اسلام**، چاپ نوزدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۷). **حقوق جزای عمومی**، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبایی، علی محمد (۱۳۳۲). «**هیات منصفه از لحاظ تاریخی**»، **مجله کانون وکلا**، شماره ۳۲، سال پنجم، شماره چهارم.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۳). **حقوق پناهندگان**، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). **فقه سیاسی**، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۹). «**بررسی تفصیلی طرح و لایحه جرم سیاسی**»، **فصلنامه معرفت**، شماره ۴۶.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۲). **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاریا، سزار (۱۳۶۲). **جرائم و مجازات‌ها**، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گارو، رنه (۱۳۶۴). **مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا**، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، تهران: بی‌نا.
- گاروری، رژه (۱۳۷۵). **تاریخ یک ارتداد**، ترجمه مجید شریف، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- گرهار دفن، تحلان (۱۳۷۸). **درآمدی بر حقوق بین الملل**، ترجمه داوود آقایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). **حقوق جزای اختصاصی**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵

لواسور، ژرژ (۱۳۶۹). «مساله جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان»، ترجمه: مصطفی رحیمی،
مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۲-۱۵۳.

محسنی، مرتضی (۱۳۵۷). «هیات منصفه و تشکیلات آن در کشور فرانسه»، مجله حقوقی وزارت
دادگستری، سال بیستم، شماره ۳.

محسنی، مرتضی (۱۳۷۵). دوره حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.

مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ
دوم، تهران: نشر همراه.

میرمحمدصادقی، حسینی (۱۳۸۹). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: انتشارات میزان.

هاشمی، محمد (۱۳۷۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.